

بگو خوابی

## در باب خطابه



مسعود رضوی

وعظ و خطابه همواره اثری ژرف بر مردمان داشته و این مختص یک جامعه خاص، یا یک دوره محدود در تاریخ نبوده است. «وعظ» خصلتی اخلاقی، آئینی و دینی داشته، اما «خطابه» شمایی سیاسی و اجتماعی و برانگیزنده را نشان داده است. «وعظ» با پند و اندرز و آرامش، و «خطابه» با تحریک و هیجان و عواطف هم‌سنخ و هم‌مسیر بوده است. شگفت آنکه در آمیختن هنرمندانه و استادانه این دو، همچون سرکه و شکر، شربتی گوارا خلق کرده و مخاطبان را حظ و فایده‌ای افزون‌تر بخشیده است. استاد استادان این فن در فرهنگ و پیشینه ما بی‌گمان امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) است. در اثر جاودانی که سیدرضی از خطابه‌ها و نامه‌ها و قصارات امام فراهم ساخت و به حق «نهج البلاغه» نام گرفت، زیباترین و باشکوه‌ترین جلوه‌های ادب خطابه‌ای را می‌توان یافت. امام گاه آرام و بصیر درباره حقیقت تجریدی سخن می‌گوید، گاه رشته کلام را به وصف آفاق می‌کشد، گاه کاروان بیان را به مقصد اخلاق و فضایل می‌برد، گاه در باب باران گذشته و خاطرات عهد رسول‌الله (ص) زبان می‌گشاید و گاه از فرمایشش صدای چکاچک شمشیرها و آشوب جنگاوران به گوش می‌رسد. بلاغت در خطاب امام، چنان اوج می‌گیرد و سجع و آرایه‌های بیانی و بلاغی در ضمن سخن وی به نقطه‌ای چنان غریب می‌رسد که خواننده متحیر می‌شود.

خطابه از چنان اهمیتی برخوردار است که همواره مورد توجه و تحلیل اندیشمندان بوده و از آن به مثابه گونه‌ای مهم از مفاهیم و بیان مؤثر نام برده‌اند. این کلمه، معادل واژه Dratoric در زبان انگلیسی است و در لغت‌نامه‌ها به معنی «ایراد سخن برای فرد یا جمع، فریفتن از راه زبان و هنری که خطیب اندیشه‌های خود را به زبان بیان می‌کند» آمده است. شالوده نظری هنر سخنوری را ریطوریکا یا فن خطابه نامیده‌اند که یکی از صورت‌های هشت‌گانه منطق ارسطو موسوم به ارگانون یا ارغنون است. در یونان و بخصوص رم باستان، این فن اهمیت بسیار یافته و مدارس و مکاتب متعددی برای آن در نظر گرفته شده بود. دموستنس و سیسرون استادان خطابه بودند. پیش از آنها، پریکلس متفکر یونانی که پانصد سال قبل از میلاد مسیح

می‌زیست، برجسته‌ترین خطیب روزگار خود بود. ستارگان سه‌گانه حکمت یونان؛ سقراط و افلاطون و ارسطو نیز خود سخنوران چیره‌دستی بودند. اینکه همیشه خطیبان بزرگ از دانشوران برجسته بوده‌اند به دلیل ماهیت این فن است که محتوای آن می‌باید غنی از حکمت و مطالب عالی باشد و صورت آن سرشار از بلاغت و زیبایی. ارسطو در توضیح بلاغت می‌گوید، آن «هنر کشف و به کار بردن وسایلی است که برای ترغیب و تهییج شنونده مفید است». از این نقطه، خطابه ماهیتی ادبی می‌یابد. زیرا خطبا از ایام کهن، برای حفظ گیرایی و افزایش زیبایی در کلام، از سجع بهره می‌گرفتند و مقدمه خطابه را بلاغت و فصاحت و تصورات شاعرانه دانسته‌اند. خطابه‌های بزرگ همواره دوشادوش شعر بر مردم اثر می‌نهادند و گرامی داشته شده است.

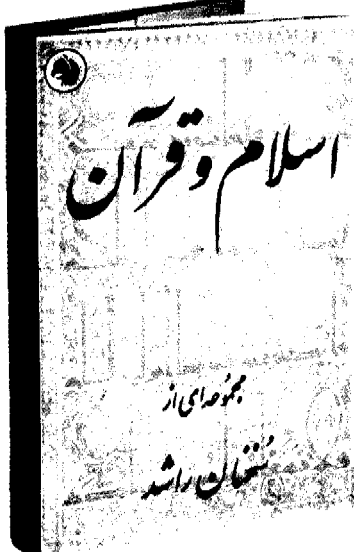
شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در دانشنامه علایی، ویژگی‌های خطیب را چنین برمی‌شمارد: «خطیب قبل از شروع خطابه، زمینه را چنان فراهم آورد که سخنانش نزد شنوندگان مقبول باشد. نیز پیش از شروع سخن، دورنمایی از شخصیت خود را برای شنوندگان به تصویر کشیده فضیلت خود را به اثبات رساند و اگر رقیب یا خصمی داشته باشد، در ابتدای سخن نقص یا نقایص او را بیان کند (چنین روشی را مغالطه خوانند). مثلاً جالینوس برای رد نظریه‌های مخالفان خود در طب به بیان فضیلت خود می‌پرداخت تا از منزلت نظریه مخالفان بکاهد». به این ترتیب این سینا ماهیتی اقتناعی - جدلی نیز برای خطابه قائل است همچنانکه سقراط نیز بر این نظر بود و چنین می‌کرد. افلاطون خطابه را به پنج بخش منقسم کرده بود: مقدمه، بیان مطلب، تشریح، برهان و خاتمه. وی استعداد فطری، آموزش و تمرین را شرط‌های ضروری برای سخنوری دانسته و در واپسین رساله‌های خود اهمیتی بسیار بدان داده بود. اما ارسطو با درک کم‌نظیر خود از آثار سابق و تیزنگری در خطابه‌های هم‌روزگاران خویش، مهم‌ترین اصول و مبانی این فن را مطرح و آن را به مثابه صنعتی خاص و مهم فراگیر ساخت. ارسطو رساله مهمی در فن خطابه نگاشت که در سه بخش تدوین یافت: اول: در فایده، هدف، تعریف و اقسام خطابه، دوم: در مقتضای حال مخاطب و گفتاری که مناسب حال وی باشد، و سوم: در اسلوب و روش خطیب برای سخن راندن.

با این مقدمه، می‌توان به اهمیت خطابه پی برد و بی‌تردید درایت و دانش همراه با فصاحت و بلاغت خطیب، اعتبار او را تعیین و پایه او را مشخص می‌کند. امروزه از وکلا و وعاظ و سیاستگران و حتی آموزگاران و استادان و رهبران صنوف و... هر کدام قدرت خطابه را درک کرده باشند و از آن به درستی بهره‌گیرند، نفوذی بیشتر بر مخاطبان خود خواهند نهاد. خاصه در عالم سیاست که خطابه نقشی بی‌مانند ایفا کرده است. در ادوار متأخر ایران، سید جمال اسدآبادی و سیدجمال واعظ و ملک‌المتکلمین و حاج تاج نیشابوری (ملقب به تاج‌الواعظین) و... با کلمات فصیح و آتشین خود اساس انقلاب مشروطیت را ریختند و حکومت قجر را بر باد دادند.

قدری نزدیک‌تر، مرحوم علامه سید محمود طالقانی و استاد محمدتقی شریعتی و استاد مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی، اثری ژرف بر نسلی بزرگ از ایرانیان نهاده و خالق فرهنگی تازه در تاریخ تشیع بودند. به این ترتیب جای شبهه باقی نمی‌ماند که نباید از این فن مهم و شریف غفلت کرد.

در گذشته‌ای نه چندان دور در مدرسه‌های جدید و قدیم و در دانشکده‌ها و مکاتب، کتابهای استادان مرحومان نقوی و صناعی، با عنوان «فن خطابه» و «آیین سخنوری» تدریس می‌شد. «فن بیان» که بعدها به «دکلمه» تغییر یافت و سرانجام در زنگ «انشا» سقوط کرد نیز اهمیتی داشت. اما امروزه حتی دانشجویان ادبیات هم به این امر التفاتی ندارند و اهمیت خوانش و فصاحت در گفتار و شنیدار را در برابر فرهنگ مکتوب به دیده نمی‌گیرند. حال آنکه حداقل در ادب شاعرانه، اساس بر شنیدن است و خوانش صحیح اگر در کار نباشد، مرگ شعر حتمی و زوال زیبایی شاعرانه قطعی است.

سرنوشت وعظ و خطابه در حوزه‌های علمیه نیز در سنوات اخیر چندان دلگرم کننده نیست و امروز که در آستانه محرم قرار داریم، در این باب چند نکته را در میان می‌نیم و بر سنت این صفحه، چند کتاب را معرفی می‌کنیم. بسیاری از طلاب علوم دینی برای وعظ تربیت می‌شوند؛ از مسئله گویان ساده تا واعظان برجسته، از مداحان و روضه‌خوانان تا خطیبان مشهور، جملگی می‌باید قدرت بیانی مناسب داشته و برهان و استدلالی فراهم آورند تا مخاطب را حفظ کنند و امور و آموزه‌های دینی را در ذهن ایشان مؤکد نمایند. این امور تقدسی داشت زیرا که بر منبر ایراد می‌شد و آن متکای نبی اکرم (ص) بوده و هر کسی شایسته این منزلت و مقام نیست. شاید سه نماینده برجسته عصر حاضر در سه گرایش منبری را در سه سخنور در گذشته معاصر ملاحظه کرد. گرایش عالمانه که مثل اعلائی آن مرحوم مطهری است. گرایش تبلیغی که مرحوم فلسفی بزرگترین چهره آن قلمداد می‌شود و گرایش عامیانه که مرحوم آقای کافی محبوبیتی ویژه در آن عرصه کسب نموده بود. روحانیون البته هنوز بدین امر اهمیتی خاص



زیان این و آن شنیده است.»

بجز این دو کتاب، «وفیات و اعیاد» (در چند جلد قطور) حاصل منبرهای ادبا و خطبای بزرگ روحانی مرحوم استاد محمدباقر سبزواری و مرحوم محمدابراهیم آینی است و نوبتی جداگانه به معرفی آن خواهیم پرداخت و نیز «گفتار ماه» که آن نیز در چندین و چند جلد منتشر شده است. در این کتابها، افزون بر خطبای بزرگی که نام برده شد، از مرحوم حاج میرزا خلیل کمره‌ای، اسیدموسی صدر، سیدمرتضی جزائری، محمدتقی جعفری، علی غفوری، سیدمرتضی شبستری و... منتشر شده و به صورت سالانه منتشر شده است. سه جلدی که نگارنده در اختیار دارد مربوط به ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ هجری خورشیدی است و استاد مطهری در مورد این خطابه‌ها، بر جلد اول مقدمه‌ای کوتاه نوشته است. از جمله اینکه این سخنرانی‌ها «... از بعضی جهات تازگی داشت و برای طبقه تحصیل کرده بخصوص جالب بود، زیرا سخنران قبلاً موضوع سخنرانی خویش را به وسیله کارت یا روزنامه به اطلاع شنوندگان رسانده بود... گوینده نیز موظف بود که درباره موضوعی که سخن می‌گوید و فی‌المثل آن موضوع اخلاقی یا اجتماعی یا تاریخی یا اعتقادی و یا دارای چند جنبه است نه تنها مستدل و متکی به مدرک سخن بگوید، بلکه در هر موضوعی در حدود امکان به همه مدارک آن توجه داشته باشد...»

اینهاست نمونه‌های خطابه و سخنوری در عصر ما و بی‌تردید می‌باید سرمشقی باشد برای طلاب جوان و سخنگویان آموزه‌های دینی. ختم کلام را به سخنی از خطابه آیت‌الله طالقانی در جلد سوم «گفتار ماه» مکتوب می‌کنم که نمونه فصاحت و روشنی و سلامت بود و خدایش غریق پاداش فرماید: «... حاکم، امام یا خلیفه باید عادل باشد. یگانه وظیفه‌اش حفظ عدل، یعنی عدل در نظام مالی و اجرای حدود و حقوق است و باید خود نمونه کامل آن باشد و مانند یک فرد عادی به سر برد، چنانکه اسلام نشان داد...» و السلام.

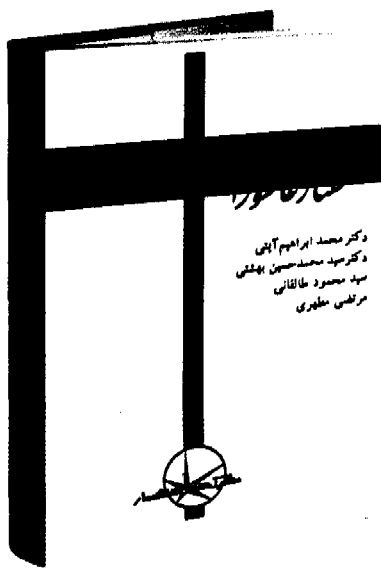
بسیار مورد استقبال افکار عمومی قرار گرفت. راشد مدتی در اصفهان، مدتی در تهران و مدتی در رادیو سخنرانی می‌کرد. در هر جا که به منبر می‌رفت، جمع عظیمی گوش می‌سپردند و هنوز چنین استقبالی از هیچ خطیبی که در طول چند دهه مورد اقبال مخاطبان باشد دیده نشده است. روش راشد آرام و باطمینان سخن گفتن و استدلال بر اساس مفروضات علمی و اخلاقی بود. او هیچگاه برای خوشایند مخاطبان، امور اضافه یا نامربوط یا اغراق یا امور شاذ و غریب را به سخن خود راه نمی‌داد. هدفش بهبود اوضاع مسلمانان و تربیت اخلاقی مخاطبان بود. نمونه‌ای از خطبه او: «بدون شبهه دین برای اصلاح حال بشر است نه برای فاسد ساختن او، برای تربیت انسان است نه برای وحشی کردن او، برای آن است که فکر مردم را باز کند و عقل آنها را قوت دهد نه ضعیف سازد، برای آن که اخلاق مردم را پاکیزه کند نه آنها را آلوده به خودپسندی و حسد و بدگمانی گرداند، برای آن است که مردم را در زندگی پیشرفت دهد نه عقب اندازد. دین برای اینگونه نتایج است...» (ص ۱۹۸)

ماه محرم، ماه رونق خطبه و سخنوری و روضه است. نمایشگاهی عظیم از کیفیت‌های متنوع آیینی و منبری است. مسجد و حسینیه و تکیه و مجلس و کوچه و خیابان پر است از سخن. سخن مذهبی و حال و هوای تاریخی که از ماجرای امام حسین (ع) و خاندان و یارانش ثبت شده است. کتاب کوچک اما پر مغز «گفتار عاشورا»، حاصل سخنرانی‌های چهار شخصیت ممتاز روحانی در عصر ماست. این کتاب که شرکت سهامی انتشار در دهه چهل منتشر کرد، دهها بار تجدید چاپ شد. دو سخنرانی از مرحوم استاد دکتر محمد ابراهیم آینی، و سخنرانی‌هایی از مرحوم دکتر بهشتی، آیت‌الله طالقانی و استاد مطهری که هر یک متنی ژرف و پرمحتوا است و هنوز از اعتبار و اهمیت آنها کاسته نشده است. استادان نشان می‌دهند که چگونه باید استدلال کرد. بر متون دینی و آیات و روایات مسلطانند و تفاسیر و آثار کلامی را خوانده‌اند. اشعار نغز و امثال بقاعده می‌آورند. استاد آینی در ذکر وقایع عاشورا به مهم‌ترین تواریخ اشاره می‌کند. از مسعودی و طبری و ابن اثیر و ابن قتیبه با ذکر دقیق مآخذ سخن می‌گوید. مرحوم دکتر بهشتی تحلیل تاریخی و اجتماعی براساس منابع موثق از عاشورا عرضه می‌کند. آیت‌الله طالقانی تفسیری نغز از آیات مربوط به جهاد و شهادت ارائه می‌نماید و سرانجام مرحوم مطهری در سخنرانی بی‌نظیر خود تحت عنوان «خطابه و منبر» یکی از عالیترین تحقیقات در باره ارزش و جایگاه خطابه در جامعه عصر خود را عرضه می‌کند. از جمله می‌گوید: «باید گویندگان بصیری باشند تا بتوانند حقایق نهضت حسینی را بگویند، نه اینکه معلوماتشان منحصر باشد به جنگ مرحوم آقا، یا مآخذ و مدرکشان - به اصطلاح خود اهل منبر - لسان‌الذکرین و صدرالواعظین باشد. حرف‌هایی باشد که از یکدیگر شنیده‌اند. می‌گویند فلانی این مطلب را از کجا نقل می‌کرد؟ جواب می‌دهند از لسان‌الذکرین یا از صدر الواعظین، مقصودشان این است در کتابی ندیده و از

دارند. خاصه در آیین عمامه‌گذاری امتحانی می‌دهند و به بیان موضوعی می‌پردازند. مناسبت‌های مختلف، خاصه در محرم و صفر و رمضان نیز امکانی عملی برای سخن گفتن ایشان در امور دینی با مردمانی پرشمار است. اما حق آن است که بگوییم امروزه روضه و مداحی و نوعی غلبه عوام‌گرایی، درخشش خطابه‌های ژرف و مؤثر، و منبرهای پربار و تربیت‌کننده را کاسته، بلکه بکلی آن را در محاق افکنده است. آموزگاران بزرگ انقلاب ایران، مرحوم استاد مطهری و مرحوم دکتر شریعتی که خود خطیبانی بی‌همتا بودند، این وضع را مورد نقد و آسیب‌شناسی قرار داده و همواره گسترش آموزش و مطالعه و فرهنگ را برای تعمیق آن پیشنهاد می‌کردند. استاد مطهری، دنباله روی برخی اهل منبر از مخاطبان را از نقاط ضعف این گروه برشمرده و معتقد بود که می‌باید مخاطب را برکشید و تربیت کرد نه آنکه به میل ایشان سخن گفت. این مسئله حقیقتاً مایه تأمل است که هدف خطابه چیست؟ آیا فقد خطابه‌های پرمایه، به تضعیف فرهنگ عقلانی و اصیل دینی نخواهد انجامید و آیا می‌توان صرفاً به مدح و روضه و برخی تذکرات روزمره و گاه بسیار عامیانه، با استفاده از تمایلات زبانی و هنجارهای زودگذر بسنده کرد؟ خطابه را باید بسیار جدی و مهم تلقی کرد، زیرا اثری مهم بر جامعه دارد. می‌تواند موجب انحطاط شود یا اعتلا. افسوس سخن، اگر از جانب شخصیت‌های برجسته و اندیشمند باشد، سرنوشت ملت‌ها را دگرگون می‌کند. مرحوم مرتضی مدرس چهاردهمی در کتاب سیدجمال‌الدین و اندیشه‌های او می‌نویسد: «آقا سیداحمد ادیب پیشاوری حکایت کرد که سیدجمال‌الدین اسدآبادی به تهران آمد و از خارج نیز حاج امین‌الضرب وارد شده بود. سید خیلی میل داشت که میرزا ابوالحسن جلوه حکیم مشهور را ملاقات کند. هرچه دوستان سید به میرزا اصرار نمودند، مورد قبول واقع نشد، تا بالاخره پس از چندی حکیم به دیدار سید رفت. سیدجمال‌الدین آغاز صحبت کرد و خطابه‌های هیجان‌انگیز در باره اتحاد اسلام و لزوم آزادی ایراد نمود. جلوه در تمام مجلس خاموش نشست و تماشا می‌کرد. پس از پایان خطابه برخاسته و از مجلس بیرون رفت. حاضران سبب را پرسیدند. میرزا گفت: می‌روم کفنی برای خود تهیه کرده تا جهاد کنم.»

### نمونه‌های عالی خطابه و انتشار آنها

برخی خطیبان روحانی ایران، چنان به سخن خود اهمیت می‌دادند که حاصل سخنرانی ایشان به صورت کتابی ارزشمند، غالباً به تقاضا و مساعدت مردم نشر می‌شد. همین مسئله نشان از وسعت فرهنگ و دانش، و ارزش و اعتبار ایشان داشت. در رأس این گروه بی‌شک خطیب بی‌همتای تاریخ روحانیت، استاد حسینعلی راشد قرار دارد. اغلب سخنرانی‌های وی چنان اهمیتی داشته که به صورت مکتوب باز تولید شده و هنوز هم طالبان بسیار دارد. «اسلام و قرآن» عنوان مجموعه‌ای از سخنان راشد است و در سال ۱۳۴۰، انتشارات جیبی آن را منتشر کرد. چهل سخنرانی دل‌انگیز، همچون درس‌هایی معنوی که



دکتر محمد ابراهیم آینی  
دکتر سید محمد حسین بهشتی  
سید مسعود طالقانی  
مرتضی مطهری